

## واکاوی سیاست‌های نئولیبرال در محیط‌زیست شهری\*

محمد حسین کاظمی اندریان<sup>۱</sup>؛ محمد تقی پیربابایی<sup>۲\*</sup>؛ محمد علی کی‌نژاد<sup>۳</sup>

۱- پژوهشگر دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)

۳- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

دریافت دست‌نوشته: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳؛ پذیرش دست‌نوشته: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

واژگان کلیدی	چکیده
محیط‌زیست، شهرسازی نئولیبرال، شهرسازی کارآفرین، توسعه پایدار، حق به طبیعت	نئولیبرالیسم به‌عنوان مجموعه سیاست‌هایی که در پنج دهه اخیر به‌خصوص پس از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی، کالبدی و... ظهور پیدا کرده و آثار مثبت و منفی بر جای نهاده است. محیط‌زیست نئولیبرال اصطلاحی است که برای اشاره به سیاست‌های نئولیبرال در محیط‌زیست مورد استفاده قرار می‌گیرد، سیاست‌هایی که به دلیل تنوع، تکرر و تناقضاتشان به‌سختی می‌توان فهرستی مورد توافق صاحب‌نظران از آنها ارائه نمود به همین دلیل پژوهش حاضر با فراتحلیل مقالات مرتبط با محیط‌زیست نئولیبرال به احصاء سیستماتیک و سپس مفهوم‌سازی مهم‌ترین سیاست‌های مورد اشاره محققان پرداخته و پیامدهای اجرای این سیاست‌ها را نیز برشمرده است. اهمیت پرداختن به موضوع در این است که اتخاذ سیاست‌های زیست‌محیطی بدون توجه به ریشه‌های نظری و مفهومی آن به پیامدهایی منجر می‌شود که اکنون در بسیاری از شهرهای جهان ظهور پیدا کرده است. از طرفی مفهوم‌سازی سیاست‌های نئولیبرال در محیط‌زیست چارچوبی برای ارزیابی سیاست‌های موجود فراهم ساخته و مسیر را برای بازنگری آنها می‌گشاید. نتیجه بررسی‌ها نشان داد سیاست‌های «محیط‌زیست کارآفرین»، «کالایی‌سازی محیط‌زیست»، «مالی‌سازی محیط‌زیست»، «بازاری‌سازی محیط‌زیست» و «مدیریت داوطلبانه» در عرصه محیط‌زیست مهم‌ترین سیاست‌ها بوده که پیامدهایی نظیر «تحت‌الشعاع قرار گرفتن توسعه پایدار»، «تشدید نابرابری اجتماعی»، «تشدید آسیب به محیط‌زیست»، «افزایش مخاطرات زیست‌محیطی» و «ظهور جنبش‌های حق به طبیعت» را به همراه داشته است.

### ۱- مقدمه

ترکیب کاربری زمین پایدار، طبیعت و تنوع زیستی، کیفیت هوای محیط، کیفیت محیط صوتی، تولید و مدیریت زباله، مدیریت آب، مدیریت فاضلاب، نوآوری زیست‌محیطی و اشتغال پایدار، عملکرد انرژی، مدیریت یکپارچه محیط‌زیست» شهرهای سبز شناسایی و تحسین شوند (Ersoy & Larner, 2020). هدف توسعه پایدار تأمین کیفیت زندگی بهتر برای ساکنین و خلق تعادل بین شهرهای امروز و آینده است (Korkmaz & Alkan Meşhur, 2021). نیومن و جنینگز (۲۰۱۲) پایداری اکوسیستم‌های پایدار

محیط‌زیست و توسعه پایدار از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان و مدیران شهری در چهار دهه اخیر بوده است زیرا آسیب‌های وارده به محیط‌زیست در اثر فعالیت‌های انسانی موجب به خطر افتادن اکوسیستم‌های طبیعی و به تبع آن تهدید حیات بشر شده است. این مسئله تا جایی اهمیت یافته که امروز تلاش می‌شود با مفاهیمی نظیر «شهر دوستدار محیط‌زیست» و با ارزیابی محورهای نظیر «تغییرات اقلیمی، حمل‌ونقل محلی، مناطق سبز شهری با

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تبیین الگوی چشم‌انداز شهر؛ مطالعه تطبیقی شهرسازی نئولیبرال و شهرسازی از منظر حکمت علامه طباطبایی» می‌باشد که با راهنمایی نویسنده‌های دوم و سوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است  
\*\* تبریز، دانشگاه هنر اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، رایانامه: Pirbabaie@tabriziau.ac.ir

استفاده و دسته‌بندی حاصل از آن، در بخش یافته‌ها، شرح تفصیلی هر یک از سیاست‌ها و پیامدهای شناسایی شده بیان گردیده است.

## ۲- چارچوب نظری

### ۲-۱- نئولیبرالیسم

نئولیبرالیسم از جوانب مختلف مورد تعریف قرار گرفته و اختلافات نظری در آن بسیار است. لیبرالیسم گاهی از طرف نخبگان برای تبرئه لیبرالیسم و پنهان ساختن سیاست‌های نابرابر آن به کار می‌رود (Le Galès, 2016). اصطلاح نئولیبرال از یک منظر می‌تواند تا حد زیادی یک نام اشتباه باشد زیرا نئولیبرالیسم بسیار ضدلیبرال است و راه را برای نوع دیگری از قفس آهنی هموار می‌کند. (Gamble, 1996). (King, 1999; Le Galès, 2016) از طرف دیگر نئولیبرالیسم به معنای تشدید لیبرالیسم تعبیر شده است (Brenner, Peck, & Theodore, 2010). نئولیبرالیسم به‌عنوان یک پروژه سیاسی، پروژه فرهنگی، ایدئولوژی، پارادایم یا به‌عنوان یک حکومت جدید توسط صاحب‌نظران مختلف بیان شده است و اگرچه از تبیین برحسب مختصاتی ثابت سرپیچی می‌کند (Peck, 2010) اما به‌طور کلی می‌توان آنرا مجموعه‌ای از ایده‌ها که از دهه ۱۹۲۰ به شکل اولیه وجود داشته و پس از دهه ۱۹۷۰ برجسته شده دانست (Le Galès, 2016). نئولیبرالیسم از دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان کوتاه‌نویسی برای ارزش‌گذاری دولت حداقلی و بازار مقررات‌زدایی شده عمل می‌کرد، اما (به‌منظور افزودن به سردرگمی) در اصل از طریق رسانه‌ها بین سرمایه‌داری لجام‌گسیخته و دولت‌گرایی مترقی شناسایی شد (Bell, 2014). نیکلاس ریڈلی وزیر مارگارت تاچر ایده‌آل خود از دولت محلی را چنین توصیف می‌کرد: یک شورای محلی یک بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد تا قراردادهایی را به شرکت‌های خصوصی مختلف که همه خدمات را انجام می‌دهند اختصاص دهد (Le Galès, 2016).

نئولیبرالیسم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مورد بررسی گسترده قرار گرفته که «شهرسازی نئولیبرال» یکی از حوزه‌های مورد علاقه پژوهشگران بوده است.

شهری را این‌گونه توصیف می‌کنند: «اکوسیستم‌هایی سالم (موثر)، با تولید زباله صفر، خودتنظیم‌گر، تاب‌آور، خودتجدیدکننده، منعطف، اخلاقی، از نظر روانی رضایت‌بخش، همکار و همزیست» (Newman & Jennings, 2012). در دهه ۱۹۸۰ که در آن سیاست‌های نئولیبرال شروع به تغییر فرهنگ و بافت اجتماعی و فضا به سمت سرمایه‌محوری کردند مفهوم پایداری شهری مطرح شد اگرچه مفهوم پایداری برای اولین بار در سند تصویب شده توسط «کنفرانس اتحادیه بین‌المللی طبیعت» در سال ۱۹۸۲ گنجانده شد اما استفاده از آن با گزارشی تحت عنوان «آینده مشترک ما» یا «گزارش براتلند» در سال ۱۹۸۷ توسط کمیسیون جهانی توسعه و محیط‌زیست سازمان ملل منتشر شد گسترش یافت (Korkmaz & Alkan Meşhur, 2021). توسعه پایدار در این سند این‌گونه توصیف شده بود: «برآوردن نیازهای نسل‌های حاضر بدون از بین بردن فرصت‌های پاسخگویی به نیازهای نسل‌های آینده» (Keeble, 1988). پس از گسترش یافتن نگرش توسعه پایدار، توجه نئولیبرالیسم به مسائل زیست‌محیطی افزایش یافت و با اتخاذ سیاست‌هایی سعی در دستیابی به رشد اقتصادی مکفی با حفظ برابری اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی نمود. این سیاست‌ها کمتر به‌طور یکپارچه و مدون بیان شده‌اند اما ضرورت دارد تا کنشگران شهری نسبت به آنها آشنایی داشته و در برنامه‌ریزی شهرها نسبت خود را با آنها مشخص کنند زیرا در فقدان مبانی نظری مشخص در برنامه‌ریزی شهری معاصر ایران، الگوبرداری از سیاست‌های شهرهای غیربومی بدون توجه به آثار و پیامدهای آن به روشی رایج در نظام برنامه‌ریزی مبدل شده است. بنابراین پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی پژوهش‌های دوره ۱۲ساله اخیر (۲۰۱۰ الی ۲۰۲۱)، مهم‌ترین سیاست‌های مورد اشاره محققان در حوزه محیط‌زیست نئولیبرال را احصاء نموده و کلیدی‌ترین پیامدهای آن را نیز مورد واکاوی قرار دهد. با این توضیحات، سؤال اصلی پژوهش را می‌توان این‌گونه بیان نمود: مهم‌ترین سیاست‌ها و پیامدهای محیط‌زیست نئولیبرال کدامند؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا مبانی نظری محیط‌زیست نئولیبرال بیان شده و سپس با تبیین روش فراتحلیل مورد

## ۲-۲- شهرسازی نئولیبرال

نویسندگان مختلف شهرسازی نئولیبرال را به شیوه‌ای متفاوت تعریف کرده‌اند، به‌عنوان مثال، طبق تعریف (Peck, Theodore, & Brenner, 2013) شهرسازی نئولیبرال را می‌توان به‌عنوان مدلی از رشد شهری مبتنی بر بازاری‌سازی خلاصه کرد، یعنی تبعیت بیشتر مکان و قلمرو از استراتژی‌های سوداگران سودآوری به قیمت استفاده از ارزش‌ها، نیازهای اجتماعی و کالاهای عمومی ویژگی‌های زیر را به شهرسازی نئولیبرال نسبت می‌دهد: طرفداری از یک حکومت شهری کارآفرین؛ سیاست‌هایی که مشارکت بخش خصوصی را در پروژه‌های شهری، جایگزین دولت‌های شهری می‌کند؛ و سوم، یک رویکرد کارآفرینانه و خودتنظیمی که در میان ساکنان شهرها تشویق می‌شود (Waley, 2013). سیاست‌های شهرسازی نئولیبرال آن‌چنان متنوع و متکثر هستند که نمی‌توان به‌طور یقینی آنها را فهرست نمود اما از مهم‌ترین سیاست‌هایی که مورد اشاره متعدد محققان قرار گرفته می‌توان به:

۱- شهرسازی کارآفرین؛  
۲- مالی‌سازی؛

۳- تمامیت‌خواهی (Geddes & Sullivan, 2011; Zemni & Bogaert, 2011)

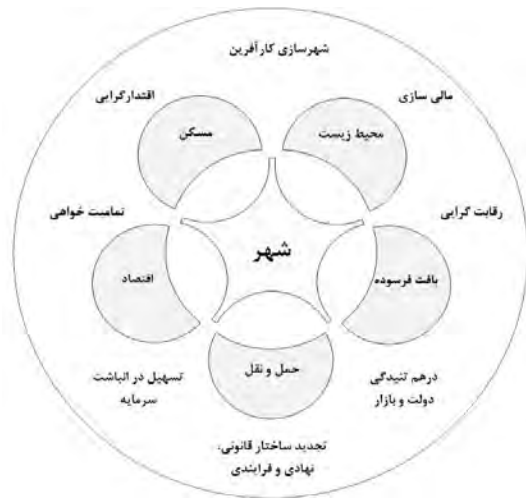
۴- اقتدارگرایی (Elicin, 2014; Perkins, 2013; Schipper, 2014)

۵- تجدید ساختار قانونی، نهادی و فرایندی (Olesen, 2012)؛  
۶- درهم‌تنیدگی دولت و بازار (Birch & Siemiatycki, 2016)؛

۷- تسهیل در انباشت سرمایه (Navarrete-Hernandez & Toro, 2019)

۸- رقابت‌گرایی (Boland, 2014) مسئله حائز اهمیت این است که سیاست‌های نئولیبرال در عرصه محیط‌زیست را باید در چارچوب نظری سیاست‌های عام نئولیبرال در نظر گرفت، سیاست‌هایی که هر یک به‌تنهایی می‌توانند تأثیرات سیاست‌های محیط‌زیستی را با دگرگونی مواجه سازند.

شکل ۱ نسبت محیط‌زیست را با سیاست‌های عام شهرسازی نئولیبرال نشان می‌دهد.



شکل ۱- نسبت محیط‌زیست با سیاست‌های عام شهرسازی نئولیبرال.

## ۲-۳- محیط‌زیست نئولیبرال

با مطرح شدن پارادایم توسعه پایدار در دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های متنوع زیست‌محیطی از نظرگاه‌های مختلف برای برقراری تعادل میان توسعه اقتصادی با برابری اجتماعی و پایدار زیست‌محیطی پدید آمد. هر یک از این دیدگاه‌ها با توجه به خاستگاه خود کمابیش نقش پررنگ‌تری برای یکی از وجوه سه‌گانه توسعه پایدار در نظر گرفتند. نئولیبرالیسم نیز در رویکردی جدید سعی نمود تا با تمرکز بر مسائل ناشی از نگاه اقتصادی افراطی، رهیافتی نوین برای حفظ رشد اقتصادی همراه با کاهش تبعات اجتماعی و زیست‌محیطی دریابد که این رویه منجر به خلق سیاست‌های اقتصادی در پیوند با محیط‌زیست گردید. مجموعه این سیاست‌ها که از سویی به مفهوم «نئولیبرالیسم» و از سوی دیگر با موضوع «محیط‌زیست» عجین شده‌اند به آفرینش مفهومی به نام «محیط‌زیست نئولیبرال» منجر شده است. سیاست‌های نئولیبرال در محیط‌زیست شهری از طرفی ذیل سیاست‌های عام شهرسازی نئولیبرال قرار می‌گیرد و در منظومه کلی آن باید تحلیل گردد.

## ۳- روش تحقیق

همان‌طور که بیان شد سیاست‌های محیط‌زیست نئولیبرال به‌طور مدون و یکپارچه توسط صاحب‌نظران بیان نشده‌اند و به‌طور پراکنده مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. به همین دلیل در

مرتبط هر یک نشان داده شده است. در ادامه نیز ابعاد تفصیلی سیاست‌ها و پیامدهای آنان مورد بحث قرار می‌گیرند.

**جدول ۴- سیاست‌ها و مفاهیم مرتبط**

سیاست کلان	مفاهیم مرتبط
	رقابت بین شهری
	شراکت عمومی- خصوصی
	کارآفرینی توسعه شهری
	کارآفرینی شهری جایگزین دارایی
	کارآفرینی شهری نوپای مقیاس‌پذیر
	نئولیبرالیته‌سازی زیرساخت‌های سبز
محیط‌زیست	کارآفرینی محیط‌زیست شهری
کارآفرین	تأکید بر مقرون‌به‌صرفه بودن، سودآوری و پایداری
	کارآفرینی شهری پایدار
	ارزش‌گذاری گسترده کارآفرینی به‌عنوان مسیر غالب
	برای رشد اقتصادی
	اکوسیستم کارآفرینی فناوری پاک
	محیط‌زیست‌سازی کارآفرینی شهری
	ساخت شهرها برای کارآفرینان
مالی‌سازی	سیاست‌های توسعه مبتنی بر بازار
محیط‌زیست	نژادی‌سازی تأمین مالی شهری
	انتشار اوراق قرضه
سیاست	<b>مفاهیم مرتبط</b>
	توسعه جوامع محصور
	بازاریابی مکان
	حومه‌گرایی
	کالایی‌سازی جزیره
کالایی‌سازی محیط‌زیست	اعیانی‌سازی طبیعت
	کالایی‌سازی زمین و منابع طبیعی
	جزایر مظهر فضای کالایی شده، قدرت و قلمروسازی
	افزایش نرخ فروش پروژه‌ها با استفاده از اشتیاق مردم به طبیعت
	نئولیبرال‌سازی منابع آبی
	مکانیسم‌های مبتنی بر قیمت به‌عنوان راه‌حل برای
	بحران‌های جهانی
بازاری‌سازی محیط‌زیست	بازاری‌سازی تاب‌آوری شهری
	بازاری‌سازی مدیریت پسماند
	خصوصی‌سازی
	کاهش مخارج دولتها
	آزادسازی تجارت
مدیریت داوطلبانه	باغبانی اجتماعی
	مدیریت داوطلبانه

این پژوهش مروری، از روش فراتحلیل و کدگذاری برای مرور مقالات تخصصی و ادبیات فنی به‌منظور شناسایی ابعاد محیط‌زیست نئولیبرال بهره گرفته شده است. با این هدف تعداد ۵۱ مقاله از مجلات حوزه مطالعات شهری با رتبه Q1 و Q2 در SJR (Scimago Journal & Country Rank) و در یک دوره ۱۲ ساله (۲۰۱۰-۲۰۲۱) برای تحلیل انتخاب شده و در دو بخش سیاست‌ها و پیامدها توسط نرم‌افزار Maxqda کدگذاری گردیدند. در فرایند کدگذاری بخش سیاست‌ها، ابتدا ۵۷ عبارت در قالب ۴۷ کد باز کدگذاری شدند و سپس این ۴۷ کد باز در ۳۳ مفهوم جزئی ساختاربندی گردیدند و در نهایت نیز در پنج سیاست دسته‌بندی شدند (جدول ۱). در بخش پیامدها نیز، ابتدا ۳۷ عبارت در قالب ۳۲ کد باز کدگذاری شدند و سپس این ۳۲ کد باز در پنج پیامد کلی دسته‌بندی شدند (جدول ۲).

**جدول ۱- تعداد کدهای باز و مفاهیم جزئی هر سیاست.**

سیاست	تعداد مفهوم جزئی	تعداد کد باز	تعداد تکرار کدهای باز
شهرسازی کارآفرین	۱۳	۱۹	۲۲
کالایی‌سازی محیط‌زیست	۸	۱۳	۱۹
بازاری‌سازی محیط‌زیست	۷	۷	۸
مالی‌سازی محیط‌زیست	۳	۴	۴
مدیریت داوطلبانه	۲	۴	۴

**جدول ۲- تعداد کدهای باز و مفاهیم جزئی هر پیامد.**

پیامد	تعداد کد باز	تعداد تکرار کدهای باز
تحت‌الشعاع قرار گرفتن توسعه پایدار	۱۰	۱۲
ظهور جنبش‌های حق به طبیعت	۷	۹
تشدید نابرابری اجتماعی	۷	۷
افزایش مخاطرات زیست‌محیطی	۴	۴
تشدید آسیب به محیط‌زیست	۴	۵

**۴- یافته‌ها**

همان‌طور که بیان گردید با انجام فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی سیاست‌ها و پیامدها، در نهایت پنج سیاست اصلی نئولیبرال در محیط‌زیست شناسایی شد که در جدول ۳ به همراه مفاهیم

#### ۴-۱- سیاست‌های محیط‌زیست نئولیبرال

نگرانی‌های مربوط به پایداری باعث شده تا بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌ها به سیاست‌های شهرسازی نئولیبرال در حوزه محیط‌زیست بپردازند. با جمع‌بندی سیاست‌های مورد اشاره در پژوهش‌های یاد شده، مهم‌ترین سیاست‌های شهرسازی نئولیبرال در نسبت با محیط‌زیست را می‌توان این‌گونه برشمرد:

#### ۴-۱-۱- محیط‌زیست کارآفرین

مفهوم کارآفرینی، پایداری و محیط‌زیست طی سالیان اخیر به‌طور تنگاتنگی درهم‌تنیده شده و مفاهیمی نظیر کارآفرینی شهری پایدار (Franco & Rodrigues, 2020)، کارآفرینی توسعه شهری (Xie, et al., 2020)، کارآفرینی محیطی شهری (Whitehead, 2013) و نظایر آنها فراگیر شده و حتی از «جایزه پایتخت سبز اروپا (The European Green Capital Award (EGCA))» که در سال ۲۰۰۶ توسط ۱۵ شهر اروپایی و انجمن شهرهای استونی پدید آمد نیز به‌عنوان رویکردی کارآفرینانه در حوزه محیط‌زیست یاد می‌شود (Ersoy & Larner, 2020). بحث‌های موجود در مورد کارآفرینی شهری بر نقش دولت و منافع بخش خصوصی در رقابت مداوم بین شهرها برای جذب سرمایه متحرک تأکید دارد (Ersoy & Larner, 2020). شهرسازی کارآفرین معتقد است تکیه بر مکانیسم‌های کارآفرینی بهتر از مدیریت دولتی می‌تواند ارزش‌های زیست‌محیطی را حفظ کند. رقابت شهری یکی از مؤلفه‌های شهرسازی کارآفرین است که عرصه طبیعت را همچون سایر عرصه‌های توسعه شهری تحت تأثیر قرار داده است در واقع مسائل زیست‌محیطی نظیر نحوه مدیریت استفاده از خودروی شخصی همچون فضاهای شهری به محملی برای رقابت در تجارت خرده‌فروشی، ساکنان و سرمایه‌گذاری‌ها (Tønnesen, 2015) تبدیل شده است. مثال دیگر «دوچرخه» است که برای کاهش آثار زیست‌محیطی وسایل نقلیه موتوری، ترافیک، حفظ سلامت شهروندان و... ترویج می‌شود اما سیاست شهرسازی کارآفرین این است که علاوه بر مباحث یاد شده، موضوع «رقابت‌پذیری» و سایر منطق‌های قوی نئولیبرالی مانند مقرون‌به‌صرفه بودن و ارزش برای پول نیز در نظر گرفته شوند (Ibsen & Olesen, 2018).

در مورد سیاست‌های توسعه پایدار نیز این موضوع صادق است و شهرسازی کارآفرین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در چارچوب توسعه پایدار به دنبال افزایش رقابت‌پذیری است (Kumi, Arhin, & Yeboah, 2014). سیاست دیگر شهرسازی کارآفرین استفاده از شراکت عمومی-خصوصی برای اهداف توسعه پایدار است که حتی توسط سازمان ملل نیز توصیه شده است (Wang & Ma, 2021). این سیاست درصدد است تا از ظرفیت بخش خصوصی در توسعه پایدار و تاب‌آوری در برابر بلایا (Tierney, 2015)، ترویج توسعه سبز سازگار با اقلیم (Taylor & Harman, 2016) و سایر موضوعات زیست‌محیطی بهره‌گیرد. علاوه بر این مدیریت کارآفرینانه پارک‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای طبیعی شهری سیاست دیگری است که در برخی از پارک‌ها نظیر پارک فیرومنت فیلادلفیا (Gabriel, 2016) حاکم شده و به‌عنوان ابزاری تبلیغاتی برای جذب نیروی کار جدید به شهر به کار گرفته شده‌اند. شکل‌های مختلف کارآفرینی تاکنون مورد توجه قرار داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به کارآفرینی شهری نوپای مقیاس‌پذیر (Scalable Startup Urban Entrepreneurship, SSTE) (نظیر اکوسیستمی مبتنی بر املاک و مستغلات)، کارآفرینی شهری جایگزین دارایی (Asset-Replacement Urban Entrepreneurship, CEIs) (نظیر ساخت‌وساز محیط محور اکوجزیره‌ها) و کارآفرینی توسعه شهری (Urban Expansion Entrepreneurship, ILCC) (نظیر شهر بین‌المللی کم‌کربن شژن با تمرکز بر توسعه) نام برد (Xie et al., 2020). در مجموع می‌توان گفت کارآفرینی آن‌چنان در نظام اقتصادی شهرهای امروز مورد توجه قرار گرفته که از آن به‌عنوان «مسیر غالب برای رشد اقتصادی شهری» (Levenda & Tretter, 2020) نام برده شده است و این نگاه به‌طور گسترده محیط‌زیست را نیز دربرگرفته است.

#### ۴-۱-۲- کالایی‌سازی محیط‌زیست

در شرایط عادی طبیعت به‌عنوان یک منبع و موهبت عمومی همچون سایر املاک و مستغلات قابل داد و ستد نیست اما کالایی‌سازی به‌عنوان یک سیاست نئولیبرال

راه‌حل‌هایی برای بحران‌های زیست‌محیطی (Obeng-Odoom, 2014) و تاب‌آوری شهری به‌مثابه محملی برای تولید سود سهام برای شرکت‌های بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران (Webber, et al., 2020) مطرح شده است.

نمونه‌های مختلفی از این رویکرد در شهرهای مختلف به اجرا درآمده که از آن جمله می‌توان به بازاری‌سازی منابع آبی (Acara, 2019)، بازاری‌سازی مدیریت پسماند (Obeng-Odoom, 2014)، بازاری‌سازی تاب‌آوری شهری (Webber et al., 2020) اشاره نمود. در خصوصی‌سازی اراضی کشاورزی اشتراکی نیز نمود دیگری از بازاری‌سازی محیط‌زیست به شمار می‌رود که در برخی موارد منجر به ایجاد تغییراتی در ساختار قدرت سیاسی شده است (Hausermann, 2014).

#### ۴-۱-۴- مالی‌سازی محیط‌زیست

تا دهه ۱۹۷۰ میلادی دو جریان کسب سود یعنی جریان‌های «سود سهام و بهره حاصل از سرمایه پولی» و «سرمایه تجاری، ساخت و تولید» با یکدیگر تعارض و تباین داشتند و این موضوع باعث ایجاد درگیری بین سرمایه‌داران، تولیدکنندگان و بازرگانان شده بود. در طول دهه ۱۹۷۰ بسیاری از این درگیری‌ها در اثر جهت‌گیری‌های مالی شرکت‌های بزرگ (حتی زمانی که مانند بخش خودرو درگیر تولید بودند) یا ناپدید شدند یا شکل‌های جدیدی به خود گرفتند و از ۱۹۸۰ به بعد جریان زیان شرکت‌ها از طریق عایدی‌های حاصل از عملیات مالی (از عملیات اعتباری و بیمه‌ای گرفته تا سفته‌بازی در بازارهای نوسان ارز و آتی) غیرعادی نبوده است؛ و در واقع ادغام دو جریان متعارض سابق، سبب به وجود آمدن روش‌ها و مجموعه‌هایی شد که به مرور ارزش سهام را به‌جای تولید به چراغ راهنمای فعالیت‌های اقتصادی تبدیل کرد (Harvey, 2007, 32). در بریتانیا مالی‌سازی به‌عنوان پاسخی سیاسی به مجموعه مشکلات اقتصادی کشور در اواسط ۱۹۷۰ در نظر گرفته می‌شود، دوره‌ای که نماد شکست اجماع کینزی پس از جنگ به دنبال دوره‌ای از رشد اقتصادی پایین، افزایش بیکاری، بدهی دولت و تورم بالا بود (Jacobs & Manzi, 2020).

فرآیندی را پدید می‌آورد که در آن با تأکید بر کلیدواژه‌های حیات طبیعی، محیط‌زیست پایدار، دوستدار محیط‌زیست و غیره، طبیعت را به‌عنوان یک کالا معرفی کرده و از اشتیاق عمومی به طبیعت برای خلق محیط زندگی در بستر طبیعی و افزایش نرخ فروش پروژه‌ها بهره گرفته می‌شود. کالایی‌سازی جزایر، ایجاد فضای مخلوط شهری و روستایی (Ortega, 2012)، جوامع محصور (Güzey, 2014) و حومه‌گرایی (Firman & Fahmi, 2017; Peck, 2011) از جمله شکل‌های کالایی‌سازی طبیعتند که سعی در هم‌آمیختگی طبیعت و زندگی شهری با حفظ مزایای هر دو دارند. منظور از جوامع محصور، محدوده‌های سکونتی هستند که معمولاً با بهره‌گیری از امکانات طبیعی، فضای زیست‌مطلوبی را برای گروهی از مردم (عمدتاً قشر برخوردار) فراهم می‌سازند. ویژگی مهم این جوامع، ایزوله بودن و محدود بودن تردد عمومی به داخل مجموعه است و عموماً دارای ورودی مشخصی هستند که تنها اجازه ورود ساکنان و مرتب‌ترین آنها را به داخل می‌دهند و همچنین امکانات رفاهی سطح بالایی را برای ساکنین فراهم می‌سازند. در حومه‌گرایی نیز با هدف بهره‌مندی از مواهب طبیعی، نواحی پیرامون شهر به شکل افقی کم‌تراکم توسعه پیدا می‌کند و فضای زیست مناسب را برای ساکنانی که آنها نیز همچون ساکنان جوامع محصور از قشر برخوردار هستند فراهم می‌سازد.

#### ۴-۱-۳- بازاری‌سازی محیط‌زیست

اگرچه ممکن است در یک تقسیم‌بندی کلان‌تر، بازاری‌سازی با شهرسازی کارآفرین تلفیق شود اما علی‌رغم برخی مشابهت‌ها، تمایزاتی بین آنها وجود دارد که ضرورت پرداختن مجزا به آن را پدید می‌آورد. حفاظت از منابع طبیعی، پرداختن به مسائل زیست‌محیطی و مدیریت بحران در الگوهای غیر لیبرال عمدتاً به عهده دولت است اما در نئولیبرالیسم سعی در بازاری‌سازی وظایف دولتی در محیط‌زیست وجود داشته و راه‌حل‌های بازار برای مدیریت آن در پیش گرفته می‌شود. در مقیاس جهانی این موضوع ابعاد وسیع‌تری نیز یافته است و طرح تجارت انتشار گازهای گلخانه‌ای، مکانیسم‌های مبتنی بر قیمت به‌عنوان

مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۴-۱-۵- مدیریت داوطلبانه

کمبود نیروی انسانی و توان مالی برای نگهداری از فضاهای سبز شهری (که هزینه‌های سنگینی را طلب می‌کند) سبب شده تا ایده‌هایی برای جلوگیری از نابودی، فروش یا اعمال هزینه ورودی برایشان مطرح شود که یکی از آنها فراخوان برای مدیریت داوطلبانه و سرپرستی شهروندان بر فضاهای سبز است (Rosol, 2012) (ایده‌های دیگری نیز مطرح هستند نظیر کاهش سطح نگهداری، افزایش کنترل و دسته‌بندی کاربری‌ها (نظیر محصور کردن پارک‌ها و بسته شدن در شب)، کاهش پیش‌بینی شده در سطح خدمات و نگهداری از جمله عدم تعمیر زمین‌های بازی، عدم کاشت گل‌های تابستانی یا قطع منظم پرچین و درختان و محدود کردن وظایف به جمع‌آوری زباله و برخی اقدامات اولیه ایمنی (Rosol, 2012)). ائتلاف‌های ضد مالیات ترجیح می‌دهند به جای افزایش مالیات و فشار بر مالیات‌دهندگان در اثر فشارهای مالی و اقتصادی بر دولت، هزینه‌های مدیریت شهر کاهش پیدا کند که این امر از طریق روش‌هایی چون حذف شغل، خصوصی‌سازی موقعیت‌های شغلی، تعدیل شاغلین، عدم افزایش یا کاهش حقوق، افزایش حق بیمه خدمات درمانی و مرخصی اجباری و کاهش ساعات کاری شاغلین دولتی به خصوص کارگران خدماتی (Perkins, 2013) صورت می‌پذیرد. به موازات موارد یاد شده، شراکت با بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی و استفاده از ظرفیت‌های داوطلبانه برای مدیریت خدمات عمومی و تحقق جامعه خودکفا (Self-Contained Communities) توسعه پیدا می‌کند. به طور نمونه در مدیریت پارک‌های شهری میلواکی، استفاده از توان کسب‌وکارهای خصوصی برای نظافت پارک‌ها، مذاکره با یک شرکت معماری برای اهدای طرحی برای بازسازی یک پارک، تشکیل جمعیتی برای حفاظت از محیط‌زیست، استفاده از سازمان‌های غیرانتفاعی برای هدایت کمک‌های خصوصی به برخی از پروژه‌ها و در نهایت، همکاری با مراکز غیرانتفاعی بوم‌شناسی برای راه‌اندازی امکانات آموزشی در ۱۰ پارک (Perkins, 2013)، شراکت‌های مبتنی بر بازار برای تسهیل مدیریت غیردولتی به خصوص در دوره ریاضت مالی به شمار

در این دوره استراتژی‌های اقتصادی مبتنی بر بازار توسط مؤسسات مالی برای پاسخ به این مشکلات به کار گرفته شدند و اتحاد جدید نخبگان مالی و دولتی در حال ظهور علیه نخبگان صنعتی و دولتی مستقر پدید آمد که منجر به در نظر گرفتن مزایای برای صنایع مالی شد (Davis & Walsh, 2016, 2017). این شرایط سبب شد تا مؤسسات مالی (مانند بانک‌ها، توسعه‌دهندگان و شرکت‌های حسابداری) تأثیر خود را بر سیاست‌های دولت، رویه‌های تجاری سازمان‌ها (اعم از دولتی و خصوصی) افزایش دهند (Jacobs & Manzi, 2020) علاوه بر آن آلبرز (۲۰۰۸) فرآیندهای گسترده‌تری از انباشت سرمایه را بررسی می‌کند که شرایطی را ایجاد کرده است که در آن بخش‌های مالی (غیرمولد) قادر به افزایش سهم خود از سود در مقایسه با اشکال مولد (صنعتی) سرمایه هستند (Aalbers, 2008). در حوزه مالی، جابجایی دارایی و جریان پول در چند ثانیه صورت می‌پذیرد (Sassen, 2018). ویژگی یک رژیم انباشت مالی این است که ریسک‌هایی که زمانی به یک بازیگر خاص در زنجیره تولید-مصرف محدود می‌شد، در نظام مالی شده برای همه بازیگران درگیر در یک صنعت خاص به خطر تبدیل می‌شوند (Aalbers, 2008). در ادامه فرایند مذکور، مالی‌سازی به عرصه طبیعت هم راه یافت و پیوندهای عمیقی با موضوعات مختلف زیست‌محیطی برقرار کرد که از بین آنها موضوعات مرتبط با توسعه شهری مورد تمرکز پژوهش حاضر است. مالی‌سازی محیط‌زیست به معنای محوریت یافتن بازارها، نهادها و ابزارهای مالی در مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست، در کنار شکل‌های سنتی سرمایه‌گذاری یعنی دارایی‌های صنعتی یا املاک و مستغلات، نقش مهمی در لیبرالیزه‌سازی طبیعت ایفا می‌کند. مالی‌سازی طبیعت به‌عنوان فرآیندی از بازپیکربندی تعریف می‌شود که از طریق آن کیفیت‌های مختلف طبیعت و تولید مبتنی بر منابع، به شکل ارزش مالی برای معامله در بازارهای تخصصی تبدیل می‌شوند (Ouma, Johnson, & Bigger, 2018). مالی‌سازی در بخش‌های مختلف نظیر تغییرات اقلیمی، سیستم آب شهری (Ponder, 2021) حومه‌گرایی (Üçoğlu, 2021) و پرداخت برای خدمات اکوسیستم (Shapiro-Garza, et al. 2020)

پژوهش‌هایی که در زمینه پیامدهای سیاست‌های یاد شده انجام شده مواردی قابل تأمل در دستیابی به هدف فوق را بیان می‌کنند که مهم‌ترین آن تحت‌الشعاع قرار گرفتن توسعه پایدار (Kumi et al., 2014) است به این معنا که عمدتاً در فرایند نئولیبرالیزه‌سازی محیط‌زیست، اهداف مربوط به پایداری و برابری به نفع اهداف اقتصادی به حاشیه رانده شده و یا حداقل کمرنگ‌تر شده‌اند (Ibsen & Olesen, 2018; Robinson III, 2016). برخی از پروژه‌ها مانند High Line نیویورک (Lang & Rothenberg, 2017) مدعی هستند که اهداف اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را توأمان محقق می‌سازند اما موفقیت آنها از منظر زیست‌محیطی و اجتماعی نامشخص است. یکی از این پیامدهای اجتماعی سیاست‌های یاد شده «نخبه‌گرایی» است که به‌خصوص در نمودهای کالایی‌سازی نظیر «کالایی‌سازی جزیره» و «جوامع مصور» به چشم می‌خورد. از آنجاکه عموماً کالایی‌سازی با لوکس‌سازی و ایجاد امکانات رفاهی قابل توجه همراه است قاعدتاً عموم مردم توانایی استفاده از آن را ندارند و به دلیل اعمال محدودیت‌های فضایی در محدوده‌های یاد شده عملاً امکان دسترسی آنها به طبیعتی که توسط اقشار برخوردار محصور شده است وجود ندارد و این مسئله ارزش «برابری» در توسعه پایدار را به چالش می‌کشد زیرا در مقابل ایجاد محرومیت برای عموم مردم، منافع اجتماعی-اکولوژیکی گسترده به بازیگران اقتصادی نخبه ارائه می‌نماید (Kotsila et al., 2021). حومه‌گرایی نیز که عمدتاً توسط قشر برخوردار برای دوری از مسائل شهری و استفاده از مواهب طبیعی رخ می‌دهد به تشدید پدیده پراکندگی شهری منجر می‌گردد که تبعاتش گریبان‌گیر محیط‌زیست و جامعه انسانی می‌شود. چالش بعدی عدالت بین نسلی است، سپردن مدیریت محیط‌زیست به بخش خصوصی که عموماً به دنبال منافع کوتاه‌مدت است در برخی موارد باعث به حاشیه رفتن منافع بلندمدت جامعه می‌شود و مخاطرات و هزینه‌ها را به نسل‌های آینده منتقل می‌کند (Acheampong, et. al. 2018; Baldwin et al., 2019). در کنار موارد یاد شده دیدگاه‌هایی وجود دارد که با تکیه بر شواهد تجربی، سیاست‌های پایداری که در بسیاری از شهرهای جهان رخ داده و بر عدالت، مدارا و مشارکت به‌عنوان محرک‌های اصلی توسعه شهری تأکید دارند را در عمل تابع

می‌رود. به این موارد باید استفاده از همسایگان داوطلب مجاور پارک‌ها برای انجام اموری نظیر چمن‌زنی و... را نیز افزود. باغبانی اجتماعی نوع دیگری از فعالیت‌های داوطلبانه در مقابل پارک‌های سنتی دولتی است که از آن به‌عنوان بخشی از عقلانیت سیاسی متمایز که هدف آن واگذاری مسئولیت‌های دولتی به جامعه مدنی است تعبیر می‌شود (Rosol, 2012). انواع متفاوتی از باغ‌های اجتماعی در کشورهای مختلف وجود دارد به‌طور نمونه باغ‌های اجتماعی در آلمان به‌طور جمعی توسط ساکنان محلی طراحی، ساخته و نگهداری می‌شوند و به‌شدت به کار داوطلبانه وابسته هستند و برخلاف باغ‌های آمریکای شمالی باغ غذا نیستند و سبزیجات و میوه گاهی برای اهداف نمایی و نه به دلایل خودتامینی یا اقتصادی کاشته می‌شوند و عموم باغ‌ها به‌ویژه آنها که به‌طور کامل در دسترس عموم هستند فقط گل، درختچه و گاهی درخت می‌کارند (Rosol, 2012). در مدیریت داوطلبانه بخشی از مسئولیت‌های دولت محلی در محیط‌زیست نظیر نگهداری از فضاهای سبز عمومی به شهروندان و گروه‌های داوطلب واگذار می‌شود که بدون دستمزد حاضرند آنها را انجام دهند. این امر به افزایش مشارکت عمومی و ایجاد حس تعلق در جامعه و محلات کمک می‌کند. در مقابل برخی معتقدند این امر کمتر به حقوق مشارکتی شهروندان اختصاص دارد و بیشتر در جهت برون‌سپاری عملکردهای سنتی دولت است (Rosol, 2012).

#### ۴-۲- پیامدهای محیط‌زیست نئولیبرال

سیاست‌هایی که مورد بحث قرار گرفت از طرف پژوهشگران بسیاری مورد بررسی انتقادی قرار گرفته است که با جمع‌بندی تمام موارد مورد اشاره آنها، مهم‌ترین پیامدهایی که در خصوص اجرای سیاست‌های نئولیبرالی در بخش محیط‌زیست قابل احصاء هستند را در پنج دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد که در ادامه به تفصیل توضیح داده می‌شوند.

#### ۴-۲-۱- تحت‌الشعاع قرار گرفتن توسعه پایدار

اگرچه شهرسازی نئولیبرال مدعی است با سیاست‌های نئولیبرال و از طریق بخش غیردولتی مدیریت بهتری در حفظ منابع طبیعی و حل مسائل زیست‌محیطی برقرار نمود اما



رشد اقتصادی می‌دانند (Mössner, 2015). همچنین انتقاداتی نیز در خصوص شهرسازی اقلیمی و نادیده گرفتن تجربیات گروه‌های به حاشیه رانده شده وجود دارد که از این منظر آن را ادامه شهرسازی نئولیبرال بیان می‌کند (McArdle, 2021; Robin & Broto, 2021)

#### ۴-۲-۲- تشدید نابرابری اجتماعی

نابرابری اجتماعی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها نسبت به اجرای سیاست‌های نئولیبرالی است (Levenda & Tretter, 2020) و (Kumi et al., 2014). بدیهی است که بهترین حالت تعادل بین دو بخش حیات جامعه انسانی و محیط طبیعی است و تا حد امکان باید به حفظ محیط زیست پرداخت اما این مسئله نباید منجر به تحمیل هزینه‌های افراطی به جامعه انسانی شود و حداقل‌های ضروری زیست بشری را به مخاطره اندازد خصوصاً آنکه معمولاً در این مسیر، هزینه‌ها به قشر محروم که توانایی دفاع از حقوق خود را ندارند منتقل می‌شود، تجربه رشد هوشمند در آستین تگزاس و انتقال هزینه‌ها از محیط زیست به بی‌خانمان‌ها در این خصوص قابل توجه است (Tretter, 2013). از طرف دیگر بسیج سرمایه خصوصی «سبز» برای اجرای پروژه‌های زیرساختی در مقیاس بزرگ متمرکز بر شاخص‌های کربن در برخی موارد منجر به جابه‌جایی جمعیت (عمدتاً طبقه فقیر) شده است (Robin & Broto, 2021). همچنین افزایش تفکیک اجتماعی- اقتصادی (Carraro, et al., 2021) در اثر توسعه شهری سوداگرانه پیامد دیگری است که برای سیاست‌های نئولیبرال عنوان شده است.

#### ۴-۲-۳- تشدید آسیب به محیط زیست

شکل‌های مختلف توسعه طبیعت‌محور نئولیبرال که مورد بحث قرار گرفت به‌عنوان فرایندی که آسیب‌های قابل توجه به محیط زیست وارد می‌سازد توصیف شده است (Levenda & Tretter, 2020). از بین رفتن اراضی کشاورزی و نابودی جنگل در اثر توسعه پراکنده حومه شهر (Acheampong et al., 2018) و همچنین تشدید آلودگی‌های منابع آبی در فرایند نئولیبرالیزه‌سازی (Acara, 2019; Fasenfest, 2019) از جمله آسیب‌هایی

است که برای نئولیبرالیزه‌سازی طبیعت می‌توان برشمرد. تا جایی که سیاست‌های نئولیبرالی برای حفظ پایداری زیست‌محیطی را به «سبزشویی» (Greenwashing) تعبیر کرده‌اند که کمک چندانی به پایداری نمی‌کند (Ersoy & Larner, 2020).

#### ۴-۲-۴- افزایش مخاطرات زیست‌محیطی

تشدید آسیب به محیط زیست به دلیل ایجاد عدم تعادل در اکوسیستم‌ها منجر به افزایش مخاطرات ژئومورفولوژیک و هیدرولوژیک می‌شود. در سال ۲۰۱۴ بارندگی باعث ایجاد سیل شدید و رانش زمین متعدد در منطقه بالکان غربی شد و به شهر ساریوو نیز رسید. یکی از علل بحران پیش آمده توسعه شهری در دشت سیلانی و حومه‌نشینی شدید در دامنه‌ها بود (Martín-Díaz, et al., 2016). مطالعه دیگر نشان داد توسعه گردشگری انبوه تحت سیاست‌های شهرسازی نئولیبرال در شیلی سبب شده است تا آسیب‌پذیری در برابر بلایا در سواحل مرکزی این کشور افزایش پیدا کرده و مخاطراتی را برای ساکنان و گردشگران ایجاد نماید (Carraro et al., 2021). افزایش مخاطرات زیست‌محیطی و اکشن متقابل طبیعت به کنش‌های سوداگرانه نئولیبرالیسم در به خدمت گرفتن طبیعت در راستای رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

#### ۴-۲-۵- ظهور جنبش‌های حق به طبیعت

اجرای سیاست‌های نئولیبرال به‌طور تنگاتنگی با اعتراضات شهری و امنیتی شدن فضا همراه شده است از طرف دیگر جنبش‌های اعتراضی در کشورهای مختلف با مفاهیمی چون «حق به شهر» که برای اولین بار توسط لوفر در اواخر دهه ۱۹۶۰ مطرح شد و در ادبیات آکادمیک مورد بحث قرار گرفته نیز پیوند خورده است (Çelik & Gough, 2014). اوج گرفتن اعتراضات غالباً با برخوردهای امنیتی همراه است و به همین دلیل است که «جنس» از ریاضت اقتصادی و افزایش تدابیر امنیتی به‌عنوان دو فرایند درهم‌تنیده و نه موازی یاد می‌کند (Jenss, 2019). همچون سایر عرصه‌های شهری، محیط زیست نیز محل ظهور جنبش‌های اعتراضی به اجرای سیاست‌های نئولیبرالی بوده است. در واقع مجموع پیامدهای

منسجم و یکپارچه، به‌عنوان سیاست‌های زیست‌محیطی نئولیبرال صورت‌بندی نشده است که این امر مواجهه با آنها را با دشواری روبرو ساخته است. به همین دلیل مقاله حاضر سعی نمود با بررسی مقالات مرتبط با محیط‌زیست نئولیبرال طی ۱۲ سال اخیر، سیاست‌هایی که بیشتر مورد توجه پژوهشگران بوده است را احصا نموده و به مفهوم‌سازی آنها بپردازد. با این روش پنج سیاست مهم شناسایی گردید که عبارتند از: محیط‌زیست کارآفرین، کالایی‌سازی محیط‌زیست، بازاری‌سازی محیط‌زیست، مالی‌سازی محیط‌زیست و مدیریت داوطلبانه. از بین این موارد، محیط‌زیست کارآفرین را می‌توان بر اساس جمع‌بندی نظر محققان، مهم‌ترین سیاست نئولیبرالیسم در عرصه محیط‌زیست معرفی نمود. بعد از شناسایی این سیاست‌ها، پیامدهای آنان نیز با تکیه بر مقالات ۱۲ سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته و پنج پیامد اساسی از بین آثار متعدد ذکر شده انتزاع گردید که عبارتند از: تحت‌الشعاع قرار گرفتن توسعه پایدار، تشدید نابرابری اجتماعی، تشدید آسیب به محیط‌زیست، افزایش مخاطرات زیست‌محیطی و ظهور جنبش‌های حق به طبیعت. لازم به تأکید است که سیاست‌ها و پیامدهای شناسایی شده را نمی‌توان به‌عنوان تمام آنچه در دیالکتیک نئولیبرالیسم و محیط‌زیست رخ می‌دهد نسبت داد بلکه تلاش پژوهش حاضر گشودن مسیری برای توجه بیشتر به سیاست‌های نئولیبرالی است که در بطن سیاست‌های توسعه پایدار تعبیه شده‌اند و آثاری را به دنبال دارند که در کوتاه‌مدت چندان قابل تشخیص نیستند. اگرچه نگاه انتقادی موجود در نسبت با نئولیبرالیسم به‌شدت تحت تأثیر منتقدان مارکسیستی بوده و برای قضاوت منصفانه باید دقت زیادی صرف نمود اما به هر روی پژوهش‌های صورت گرفته مسائل قابل توجهی را بیان نموده‌اند که هر یک می‌تواند مبنای مطالعات در نمونه‌های جدید قرار گیرند.

ظاهر شده در اثر اجرای سیاست‌های نئولیبرالی در سبب شده تا جنبش‌های اعتراضی اجتماعی مختلفی پدید آید که ارتباط درهم‌تنیده‌ای با مفهوم حق به شهر دارند. اگرچه مبارزه برای دسترسی به فضاهای سبز عمومی همواره هسته اصلی بسیاری از منازعات شهری بوده است (Evangelia Apostolopoulou & Adams, 2019) اما اعتراضات به این موضوع محدود نمی‌شوند و طیف وسیعی از مسائل زیست‌محیطی از جمله نئولیبرالی‌سازی جزایر (Armas-Díaz, et al., 2020)، پایداری (Béal, 2015) و تنوع زیستی (Evangelia Apostolopoulou & Adams, 2019) تخریب محیط‌زیست تحت سیاست‌های نئولیبرالی تا جایی پیش رفته که کم‌کم «حق بر طبیعت» (Elia Apostolopoulou & Kotsila, 2021) در حال تبدیل شدن به‌عنوان عنصر کلیدی مبارزات برای «حق به شهر» است (Evangelia Apostolopoulou & Adams, 2019).

## ۵- نتیجه‌گیری

فراگیر شدن پروژه اقتصادی- سیاسی نئولیبرالیسم در دهه ۱۹۸۰ و پیامدهای زیست‌محیطی آن سبب شد تا رویکرد توسعه پایدار با دغدغه‌های برابری اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی پدید آید و به‌تبع آن مجموعه اقداماتی برای ایجاد تعادل بین سه وجه اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست در سطح شهرهای جهان به اجرا درآمد. تحت فشار قرار گرفتن نئولیبرالیسم از سوی فعالان زیست‌محیطی بخصوص حامیان توسعه پایدار سبب شد تا سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال خود را در قالب محیط‌زیست بازتولید نمایند به‌نحوی که با حفظ رشد اقتصادی مورد نظر، نگرانی‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز برطرف نمایند. با این هدف، سیاست‌های متنوعی در سطح شهرهای جهان به‌منصه ظهور رسید لیکن این سیاست‌ها هیچ‌گاه با یک چارچوب

۶- مراجع

- [1] Aalbers, M.B. (2008). The financialization of home and the mortgage market crisis. *Competition change*, 12(2), 148-166.
- [2] Acara, E. (2019). Sequestering a river: the political ecology of the “dead” Ergene river and neoliberal urbanization in today’s Turkey. *Annals of the American Association of Geographers*, 109(2), 422-433.
- [3] Acheampong, M., Yu, Q., Enomah, L.D., Anchang, J., & Eduful, M. (2018). Land use/cover change in Ghana’s oil city: Assessing the impact of neoliberal economic policies and implications for sustainable development goal number one—A remote sensing and GIS approach. *Land Use Policy*, 73, 373-384.
- [4] Apostolopoulou, E., & Adams, W.M. (2019). Cutting nature to fit: Urbanization, neoliberalism and biodiversity offsetting in England. *Geoforum*.
- [5] Apostolopoulou, E., & Kotsila, P. (2021). Community gardening in Hellinikon as a resistance struggle against neoliberal urbanism: spatial autogestion and the right to the city in post-crisis Athens, Greece. *Urban Geography*, 1-27.
- [6] Armas-Díaz, A., Sabate-Bel, F., Murray, I., & Blazquez-Salom, M. (2020). Beyond the right to the island: exploring protests against the neoliberalization of nature in tenerife (Canary Islands, Spain). *Erdkunde*, 74(4), 249-262.
- [7] Baldwin, C., Marshall, G., Ross, H., Cavaye, J., Stephenson, J., Carter, L.,.... Syme, G. (2019). Hybrid neoliberalism: implications for sustainable development. *Society natural resources*, 32(5), 566-587.
- [8] Béal, V. (2015). Selective public policies: sustainability and neoliberal urban restructuring. *Environment Urbanization*, 27(1), 303-316.
- [9] Bell, D. (2014). What is liberalism? *Political theory*, 42(6), 682-715.
- [10] Birch, K., & Siemiatycki, M. (2016). Neoliberalism and the geographies of marketization: The entangling of state and markets. *Progress in human geography*, 40(2), 177-198.
- [11] Boland, P. (2014). The relationship between spatial planning and economic competitiveness: the ‘path to economic nirvana’ or a ‘dangerous obsession’? *Environment planning A*, 46(4), 770-787.
- [12] Brenner, N., Peck, J. & , Theodore, N. (2010). After neoliberalization? *Globalizations*, 7(3), 327-345.
- [13] Carraro, V., Visconti, C., & Inzunza, S. (2021). Neoliberal urbanism and disaster vulnerability on the Chilean central coast. *Geoforum*, 121, 83-92.
- [14] Çelik, Ö., & Gough, J. (2014). Introduction to the special section: Urban neoliberalism, strategies for

- urban struggles, and 'the right to the city'. In: Sage Publications Sage UK: London, England.
- [15] Davis, A., & Walsh, C. (2016). The role of the state in the financialisation of the UK economy. *Political studies*, 64(3), 666-682.
- [16] Davis, A., & Walsh, C. (2017). Distinguishing financialization from neoliberalism. *Theory, Culture & Society*, 34(5-6), 27-51.
- [17] Elicin, Y. (2014). Neoliberal transformation of the Turkish city through the Urban Transformation Act. *Habitat International*, 41, 150-155.
- [18] Ersoy, A., & Larner, W. (2020). Rethinking urban entrepreneurialism: Bristol Green Capital—in it for good? *European Planning Studies*, 28(4), 790-808.
- [19] Fasenfest, D. (2019). A neoliberal response to an urban crisis: Emergency management in Flint, MI. *Critical Sociology*, 45(1), 33-47.
- [20] Firman, T., & Fahmi, F.Z. (2017). The privatization of metropolitan Jakarta's (Jabodetabek) urban fringes: The early stages of "post-suburbanization" in Indonesia. *Journal of the American Planning Association*, 83(1), 68-79.
- [21] Franco, M., & Rodrigues, M. (2020). Indicators to measure the performance of sustainable urban entrepreneurship: an empirical case study applied to Portuguese cities and towns. *Smart Sustainable Built Environment*.
- [22] Gabriel, N. (2016). "No place for wilderness": Urban parks and the assembling of neoliberal urban environmental governance. *Urban forestry urban greening*, 19, 278-284.
- [23] Gamble, A. (1996). *Hayek: The Iron Cage of Liberty*.
- [24] Geddes, M., & Sullivan, H. (2011). Localities, leadership and neoliberalization: conflicting discourses, competing practices. *Critical Policy Studies*, 5(4), 391-413.
- [25] Güzey, Ö. (2014). Neoliberal urbanism restructuring the city of Ankara: Gated communities as a new life style in a suburban settlement. *Cities*, 36, 93-106.
- [26] Harvey, D. (2007). *A brief history of neoliberalism*: Oxford University Press, USA.
- [27] Hausermann, H.E. (2014). Unintended developments: Gender, environment, and collective governance in a Mexican ejido. *Annals of the Association of American Geographers*, 104(4), 784-800.
- [28] Ibsen, M.E., & Olesen, K. (2018). Bicycle urbanism as a competitive advantage in the neoliberal age: the case of bicycle promotion in Portland. *International Planning Studies*, 23.
- [29] Jacobs, K., & Manzi, T. (2020). Conceptualising 'financialisation': governance, organisational behaviour and social interaction in UK housing. *International Journal of Housing Policy*, 20(2), 184-

202.

- [30] Jents, A. (2019). Authoritarian neoliberal rescaling in Latin America: Urban in/security and austerity in Oaxaca. *Globalizations*, 16(3), 304-319.
- [31] Keeble, B.R. (1988). The Brundtland report: 'Our common future'. *Medicine and war*, 4(1), 17-25.
- [32] King, D. (1999). *In the name of liberalism: illiberal social policy in the USA and Britain*: OUP Oxford.
- [33] Korkmaz, C., & Alkan Meşhur, H.F. (2021). Neo-liberal urbanism and sustainability in Turkey: commodification of nature in gated community marketing. *Journal of Housing the Built Environment*, 36(3), 11
- [34] Kotsila, P., Anguelovski, I., Baró, F., Langemeyer, J., Sekulova, F., & JT Connolly, J. (2021). Nature-based solutions as discursive tools and contested practices in urban nature's neoliberalisation processes. *Environment Planning E: Nature Space*, 4(2), 252-274.
- [35] Kumi, E., Arhin, A.A., & Yeboah, T. (2014). Can post-2015 sustainable development goals survive neoliberalism? A critical examination of the sustainable development-neoliberalism nexus in developing countries. *Environment, development sustainability*, 16(3), 539-554.
- [36] Lang, S., & Rothenberg, J. (2017). Neoliberal urbanism, public space, and the greening of the growth machine: New York City's High Line park. *Environment Planning A: Economy Space*, 49(8), 1743-1761.
- [37] Le Galès, P. (2016). Neoliberalism and urban change: Stretching a good idea too far? *Territory, Politics, Governance*, 4(2), 154-172.
- [38] Levenda, A.M., & Tretter, E. (2020). The environmentalization of urban entrepreneurialism: From technopolis to start-up city. *Environment and Planning A: Economy Space*, 52(3), 490-509.
- [39] Martín-Díaz, J., Nofre, J., Oliva, M., & Palma, P. (2016). Increase of geomorphological risks in the urban space of Sarajevo as a consequence of the process of suburbanisation and policies of neoliberalisation. *Estudios Geográficos*, 77(281), 543-567.
- [40] McArdle, R. (2021). Intersectional climate urbanism: Towards the inclusion of marginalised voices. *Geoforum*, 126, 302-305.
- [41] Mössner, S. (2015). Urban development in Freiburg, Germany—sustainable and neoliberal? *DIE ERDE—Journal of the Geographical Society of Berlin*, 146(2-3), 189-193.
- [42] Navarrete-Hernandez, P., & Toro, F. (2019). Urban systems of accumulation: Half a century of Chilean Neoliberal Urban Policies. *Antipode*, 51(3), 899-926.
- [43] Newman, P., & Jennings, I. (2012). *Cities as sustainable ecosystems: principles and practices*: Island press.

- [44] Obeng-Odoom, F. (2014). Green neoliberalism: Recycling and sustainable urban development in Sekondi-Takoradi. *Habitat International*, 41, 129-134.
- [45] Olesen, K. (2012). Soft spaces as vehicles for neoliberal transformations of strategic spatial planning? *Environment Planning C: Government Policy Sciences*, 30(5), 910-923.
- [46] Ortega, A.A.C. (2012). Desakota and beyond: neoliberal production of suburban space in Manila's fringe. *Urban Geography*, 33(8), 1118-1143.
- [47] Ouma, S., Johnson, L., & Bigger, P. (2018). Rethinking the financialization of 'nature'. *Environment Planning A: Economy Space*, 50(3), 500-511.
- [48] Peck, J. (2010). *Constructions of neoliberal reason*: OUP Oxford.
- [49] Peck, J. (2011). Neoliberal suburbanism: Frontier space. *Urban Geography*, 32(6), 884-919.
- [50] Peck, J., Theodore, N., & Brenner, N. (2013). Neoliberal urbanism redux? *International journal of urban regional research*, 37(3), 1091-1099.
- [51] Perkins, H.A. (2013). Consent to neoliberal hegemony through coercive urban environmental governance. *International journal of urban regional research*, 37(1), 311-327.
- [52] Ponder, C. (2021). Spatializing the Municipal Bond Market: Urban Resilience under Racial Capitalism. *Annals of the American Association of Geographers*, 1-18.
- [53] Robin, E., & Broto, V.C. (2021). Towards a postcolonial perspective on climate urbanism. *International Journal of Urban Regional Research*, 45(5), 869-878.
- [54] Robinson III, J.N. (2016). Race, poverty, and markets :urban inequality after the neoliberal turn. *Sociology Compass*, 10(12), 1090-1101.
- [55] Rosol, M. (2012). Community volunteering as neoliberal strategy? Green space production in Berlin. *Antipode*, 44(1), 239-257.
- [56] Sassen, S. (2018). Is High-Finance an Extractive Sector? *Indiana Journal of Global Legal Studies*, 25(2), 583-593.
- [57] Schipper, S. (2014). The Financial Crisis and the Hegemony of Urban Neoliberalism: Lessons from Frankfurt am Main. *International journal of urban regional research*, 38(1), 236-255.
- [58] Shapiro-Garza, E., McElwee, P., Van Hecken, G., & Corbera, E. (2020). Beyond market logics: payments for ecosystem services as alternative development practices in the global south. *Development Change*, 51(1), 3-25.
- [59] Taylor, B.M., & Harman, B.P. (2016). Governing urban development for climate risk: What role for public-private partnerships? *Environment Planning C: Government Policy Sciences*, 34(5), 927-944.

- [60] Tierney, K. (2015). Resilience and the neoliberal project: Discourses, critiques, practices—and Katrina. *American Behavioral Scientist*, 59(10), 1327-1342.
- [61] Tønnesen, A. (2015). Urban entrepreneurialism and car-use reduction. *Planning Theory Practice*, 16(2), 206-225.
- [62] Tretter, E. (2013). Sustainability and neoliberal urban development: The environment, crime and the remaking of Austin's downtown. *Urban Studies*, 50(11), 2222-2237.
- [63] Üçoğlu, M. (2021). Financialization and suburbanization: the predatory
- [64] hegemony of suburban-financial nexus in Istanbul. *Globalizations*, 18(6), 981-994.
- [65] Waley, P. (2013). Pencilling Tokyo into the map of neoliberal urbanism. *Cities*, 32, 43-50.
- [66] Wang, N., & Ma, M. (2021). Public-private partnership as a tool for sustainable development—What literatures say? *Sustainable Development*, 29(1), 243-258.
- [67] Webber, S., Leitner, H., & Sheppard, E. (2020). Wheeling out urban resilience: Philanthrocapitalism, marketization, and local practice. *Annals of the American Association of Geographers*, 111(2), 343-363.
- [68] Whitehead, M. (2013). Neoliberal urban environmentalism and the adaptive city :Towards a critical urban theory and climate change. *Urban Studies*, 50(7), 1348-1367.
- [69] Xie, L., Cheshmehzangi, A., Tan-Mullins, M., Flynn, A., & Heath, T. (2020). Urban entrepreneurialism and sustainable development: A comparative analysis of Chinese eco-developments. *Journal of Urban technology*, 27(1), 3-26.
- [70] Zemni, S., & Bogaert, K. (2011). Urban renewal and social development in Morocco in an age of neoliberal government. *Review of African Political Economy*, 38(129), 403-417.